رضا اردکانیان، وزیر اسبق نیرو در ارائه‌ای به آسیب امحای تجارب دولت‌های گذشته پرداخت

گسست در انتقال دانش و تجربه چه بر سر حکمرانی می‌آورد؟

ادامه از صفحه۱

من به تجربه‌های قبل از انقلاب ورود نمی‌کنم نظیر اشاره به سابقه تاریخی عادت حکمرانی در ایران؛ قبلا! بحث من منحصر به دوران جمهوری اسلامی است. ما باید ابتدا به‌تاثیر انقلاب مردم به یک رد دیهمبر ۵۷ به پیروزی رسید و آن زمان پذیرفتند که انقلابی‌گری یا نفی گذشته و عدم رجوع به آن و حرکتی از صفر در سرمان معرفی شده است. از جمله آن دیگر انقلابی نگرد داند؛ فلذا از منظر مردم پذیرش اینکه در پایان دهه دوم حکمرانی هشت ساله دولت هاشمی به دلایلی دیدگاه و دیدگاه انقلابی‌گری سوق پیدا کرده بود که همه کاسی‌ها و نارآمدی‌ها و دستاوردها و کامرانی‌ها را مربوط به گذشته‌گان دانست و پرونده را آن بست و به‌نوعی از نو شروع کرد. بدیرفتنی نیست. مردم، مجموعه رابه عنوان یک واحد تحت عنوان انقلاب جمهوری اسلامی می‌بینند. بنابیه که افراط در این امر، موجب مسائل دیگری می‌شود. بعضی‌ها می‌بینم در مقطع تجربه دولت مستقلت فعالیت‌های گذشته از صفحات نازیبای یک روزنامه‌ها سعی می‌کنند که در بخش کشاورزی، صنعت، تجربه‌های سابق دوباره تجربه شود؛ یعنی زمان، ارزش، منابع، چه منابع انسانی و چه سایر منابع برای آن صرف شود و این مسئله مصادیق متعدد دارد. مثلی، در این زمینه افراط می‌کنیم که حتی بعضا آمادیم جلسات سنتی توزیع و معارفه‌ای که در شروع کار دولت‌ها برگزار می‌کنند لزوما از کنار آن‌ها عبور می‌شود؛ چراکه این به معنی ارائه عملکردگذشته است و این خود مبنایی برای مقایسه و ابعاد انتظار می‌شود.

چون بنای من فقط ذکر مصادیق و ارائه تفاضلی که مشاهده عینی و تجربی است، لذا این ارائه معطوف به دوره‌هایی است که در چهار دهه گذشته، در زیر و چتر قلمروی وزارت کشور و وزارت نیرو فعالیت داشته‌ام. قطعاً دوستان می‌توانند نظاط دیگری را در جهت اصلاح و تکمیل عرایض من به آن اضافه کنند.

انتقال پایتخت

مثال اول، بحث انتقال پایتخت است. تاکنون چندین بار، صدها نفر - ساعت بحث بر سر انتقال پایتخت را در سناد دولت‌های گذشته، در سازمان برنامه‌مریزی کشور که فاعدتاً می‌بایست به‌دنبال بهینه‌سازی منابع و امکانات (ازجمله وقت) باشد، وتبط با ظرفیت‌های مشاوره‌ای کشور، انجام داده‌اید ولی با جعبه‌بندی مدیتی انجام باید باشد نسبت به آن بی اعتنایید و هر بار به صرف تغییر دولت، چندباره این بحث را شروع می‌کنیم. گویا از ابتدا می‌خواهیم این موضوع را حل و سطر آن بنویسیم. این گسست‌ها آن‌و عوارضی دارد. آنقدر تکیه کردن به گذشته یا گذشته دارد که نگذشتگان حیرت کنند؛ آنچه در موضوع جایگاه انداندارد و سازوکار انتخاب وی و نحوه نظارتی و برعملکرد.

تمایل نمایندگان مجلس به دخالت درعزل و نصب مدیران استانی

از موارد دیگر که هر بار ارتفاقه تقریباً بنادیم بحث آن شروع می‌شود به بعث تجربه مستمر و متعدد دولت‌ها در هنگام بحث‌های آن تبدیل به یک رویه ثابت و جاری نمی‌شود، موضوع مداخله نمایندگان مجلس شورای اسلامی در عزل و نصب مدیران ارشد استانی است. هر بار بنا بر گذشته و ضعف خود مجلس و دولت این موضوع در یک نقطه‌ای بین صفر و صد قرار می‌گیرد. یعنی اگر ما هزینه‌ها و منافع احتمالی این امر و مداخله را در جایی احصا کنیم و کلیت ادوار جمهوری اسلامی را یک مجموعه واحد ببینیم، سعی و خطا در این موضوع به نظر من موضوعیت ندارد و نمی‌شود این را بسته مقوله دولت به دولت دانست. حتی اگر لازم باشد، می‌توان برای آن قانونی وضع کرد و تکلیف این مسئله را روشن کرد که عملکرد دولت تحت تأثیر شدت و ضعف وجه و برخورد ووزارتوانرابط آن‌ها با مجلس و متقابلاً ارتباط نمایندگان با وزیرو دولت قرار نگیرد.

کمیسیون‌های مشترک همکاری‌های اقتصادی با سایرکشورها

موضوع مهم دیگری که پیوستگی دائمی وتجربه را ضروری می‌کند، عرصه کمیسیون‌های مشترک همکاری اقتصادی جمهوری اسلامی با کشورهای مختلف و عضاتآن‌ها در همسایه است. علاوه مستندات ومکتوباتی که به‌طور خیلی‌ی درسالق دنبال و منتقل می‌شود. انتهی ازتجربیات وجود دارد که تنها شخاص ماتوکننده یا طرف خارجی است و نیاز است که به‌شکل سیستماتیک‌ی منتقل شود. چراکه در مقطعی که دولت ما تغییر می‌کند لزوما دولت کشور همسایه تغییر نمی‌کند. وزیر مسئول در سمت کشور همسایه عوض نمی‌شود و مسائل متعددی است که مسائل هم‌ورد مذاکره بوده و نماینده جمهوری اسلامی بر نقاطی تأکید و بارهای مختلف نظرات متفاوتی داشته است.

این عدم انتقال و این گسست در مواردی ممکن است موجب سند شود منوع مشود و شاید انگیزه که می‌بایست حقوق ماستیفا نشود. حداقل ضرار، از دست دادن زمان است.

معاهده هیرمند وچالش آب درسیستان

مصداق بعدی، بحث مهم سیستان و معاهده هیرمند است. درهمین هفته‌ها نیز در گوه گفت‌وشنود. دوستان لطف کردند گزارشی از مراجع امنیتی درباره مسائل مختلف ازجمله بحث هیرمند، سیستان و مسائل آب در مرز شکوهمند کردند. اصلاح شود و این گسست دانشی وتجربی باعث می‌شود، اززنجیره فعالیت‌هارا نتش‌های مهم‌ترموضوع که خود نظام جمهوری اسلامی باصرف هزینه وقت و تجربه، جمع‌آوری کرده است، ازدست رفته است. اما هر از چندی موضوع، بایک نگاه مدعدود وخاصی دوباره از حالی نقطه صفرشروع می‌شود. جهت اطلاع دوستان باراعایت ملاحظات طبقه بندی عرض می‌کنم که شورای عالی امنیت ملی در دهه‌ی دوم دولت آقای هاشمی و منابع انرژی و منابع آب مسئله مهم‌ی دارد که مربوط به دی سال ۷۳ یعنی حدود ۳۰ سال پیش است. این مصوبه ازجمله مصوباتی است که به تنظیم نظام معطوفهریزی رسیده و ابلاغ شده است. ازجمله بعدی آن که برای اولین بار طرح می‌شد این بود که در ساحت دولت و هیرمند وزیران یک کمیسیون دائمی تحت عنوان کمیسیون آب‌های مرزی و منابع آب مشترک شکل گیرد و ریاست سایر کمیسیون‌های کلاسیک و سنتی دولت همچون کمیسیون اقتصاد، کمیسیون زیربنایی و کمیسیون فرهنگی و غیره و غیره باشد. ترکیب این کمیسیون نیز با توجه به ماهیت موضوع باید که ترکیب بین وزیرنیرو به‌عنوان رئیس کمیسیون و رئیس سازمان مسئول آب، وزیرامور خارجه، وزیر کشور، رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، وزیر جهاد کشاورزی و نیز رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عضو این کمیسیون دولت هستند. جلسات اولیه کمیسیون در همان دولت تشکیل شد. منتهی پس ازآن باتغییر دولت به دلیل همین روبه گسست موجود نیز ادوار دولت، این کمیسیون کمرنگ شد و نه‌برخی تعطیلی این کمیسیون یکی از آثار این رویه بود.

همواره با تعبیری سعی در افزایش قدرتنمایی‌های خود داشته باشند. هر چقدر قدرت‌ها بلند‌تر باشند، تحمل و پذیرش افراد قدرتمند دارد. در عرصه‌های تصمیم‌گیری بیشتر می‌شود. این قامت بلند صرفاً به صلاحیت‌ها و ظرفیت‌های یک شخص برمی‌گردد. بنابراین استفاده مستمر تکیه‌ی ویژه از دانش و تجربه گذشتگان عملاً‌ی را بلند قامت می‌کند. نکته بعدی باید آخر تقویت نقش رسانه است. واقعاً اگر گسستی در بین ادوار دولت به هر دلیل و با هر انگیزه‌ای است، رسانه‌ها می‌توانند به عنوان نخ تسبیح این گسست را کنار بگذارند و این گسست را بتوانند کمرنگ کنند و باریخت همه ضبط و شنوائی که وجود دارد موجب شود که کشور از این محل متحمل هزینه‌های جدی نرشوند.

سؤالات:

آیا در فقره دخالت نمایندگان درانتصاب استاندران و مدیران استانی، که نحوی تاثیر ور و فلج کننده باقته مطالعه‌ا اقدامی در اولوا گذشته صورت گرفته است؟

در خصوص موضوع دخالت نمایندگان در عزل ونصب‌ها و میزان و تاثیر آن، می‌شود این درخواست ارائه‌ا شده که دولت‌های خود را بر شانه‌های آن‌را تدوین کنند. جزو سوابق آن موجود است. ولی اصل موضوع تمایلی به مداخله چهارپرشده دارد. یک ریشه در شایستگی و کیفیت خود نمایندگان است که تردیدی در آن نیست و به همین دلیل وقتی ما کیفیت‌ها را نگاه می‌کنیم، از مجلس اول به سمت امروز قطعاً‌مناحتی کیفیت یک منحنی صعودی نیست. ریشه دوم در ضعف کارکرد شورای عالی اسلامی شهرها است. اصلاح شورای عالی اسلامی شهرها به شکلی فعال شوند که شهروند مطالبات روزمره خود را در حال خدمات رسانی و نظارتی آن را آن‌ها مطالبه کنند، نه از مقننین و دستگاه نظارتی کشور و یک برخوردی شورای اسلامی هم چقدر از شوراها در نقش شوراها در نقش اسلامی خود غافل نشده‌اند و دور شده‌اند به همین میزان بار آگونیه مطالبات به دوش نمایندگان مجلس و قانونگذاران افتاده و مأساله‌ای آن‌ها یکی از مجاری پاسخگویی به مؤکلین خود را حداقت در عزل و نصب‌ها دیدند. ریشه سوم در بحث مداخله نمایندگان در انتخاب‌ها و اجرای دخالت آجرایی است. موارد متعددی را شاخصه‌ا طرح موسسند. نه‌ا در مقننین و دستگاه نظارتی کشور دارند. استاد دوبرشد می‌شود. در مجموعه‌های مجلس شورای اسلامی هم چقدر از